

# درس خارج آیت الله العظمی مرعشی نجفی

عادل علوی

آیت الله العظمی مرعشی نجفی و اصول آیت الله العظمی میرزا جواد تبریزی را به عنوان فقه و اصول نجفی، و فقه آیت الله العظمی گلپایگانی و اصول آیت الله العظمی فاضل لنکرانی را به عنوان فقه و اصول قمی برگزیدم. و با تلاش و جدیت فراوان در دروس آن بزرگواران شرکت کردم. و تقریرات همه دروس را به رشته تحریر در آوردم.

در این میان، حضرت حجّت الاسلام و المسلمین سید محمود مرعشی نجفی، از تقریرات این جانب از درس قصاص آیت الله العظمی مرعشی نجفی آگاهی یافت و در صدد چاپ آن برآمد که به همت بلند ایشان، تا کنون دو جلد از سه جلد این تقریرات - از سوی انتشارات کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی - به چاپ رسیده است.

خداوند این توفیق را به این جانب ارزانی داشت که در طول نگارش تقریرات ایشان، با آن بزرگوار در تماس بودم و آنها را به رؤیت ایشان می‌رساندم و از نظرات و پیشنهادهای حکیمانه آن مرد بزرگ بهره‌مند می‌شدم.

اینک به برخی از ویژگیهای استاد - که بر شاگردانش پوشیده نیست - می‌پردازم:

## جامعیت استاد

در طول حیات آن بزرگمرد، این نکته بر همگان مسلم شده بود که استاد، در علوم مختلف، همانند فقه، اصول، فلسفه، عرفان، اخلاق، تفسیر، علوم حدیث، رجال، تاریخ، انساب، ادبیات، و حتی طب و علوم غریبه متبحر است. ایشان از مرز جامعیت معقول و منقول گذشته بود، زیرا علاوه بر علوم اسلامی، در علوم دیگری نیز چیره‌دست بود. جامعیت استاد در علوم

به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی - قدس سره - و برپایی حکومت اسلامی با محوریت ولایت فقیه، اهمیت مباحثی همچون: قضا، حدود، دیات و قصاص - که نقش مهمی در اداره جامعه اسلامی دارند - به خوبی روشن گشت؛ مباحثی که قبل از پیروزی انقلاب، به بهانه عدم کاربرد آنها، در حوزه‌های علمی متروک و مهجور مانده بود. در این راستا، حوزه علمی قم - که به حق، کانون اصلی انقلاب معرفی شده بود - پیشقدم شد، و بحث تشکیل حکومت اسلامی و کیفیت اجرای قوانین آن، از سوی مجتهدان و مراجع بزرگوار در اولویت قرار گرفت. از نمونه‌های آغازین آن، می‌توانیم از تدریس کتاب القصاص به وسیله آیت الله العظمی مرعشی نجفی و کتاب القضاء، توسط آیت الله العظمی گلپایگانی یاد کنیم.

این جانب در آن زمان، ۲۴ سال داشتم و مراحل مقدماتی و سطح حوزه را پشت سر گذاشته بودم و در جست و جوی درس خارج مناسب برای ادامه تحصیل بودم. در این راه، دو ویژگی را در درس خارج آن زمان پی‌جویی می‌کردم: ۱. درس خارج فقه به گونه‌ای مرتبط با مسایل اجتماعی باشد، به خصوص مسایلی که حکومت نوپای اسلامی با آن درگیر است؛ ۲. آن درس، اعم از فقه و اصول، مرا با سبکهای نجفی و قمی آشنا کند. به عبارت دیگر، دروسی باشد که بتوان آنها را نماینده تامی از یکی از سبکهای قمی یا نجفی به حساب آورد، زیرا یکی از اهداف من از شرکت در درس خارج، آشنایی با این دو سبک و ویژگیهای آنها، و در صورت امکان، تلفیق آن دو، برای هرچه بیشتر بهره‌ور شدن فقه و اصول شیعه بود. بنابراین، فقه

یافت، و غالباً از ترشحات فکریه خود استاد بود؛ این فروعات در پرورش هرچه بیشتر ذهن شاگرد و تقویت ملکه استنباط و اجتهاد در او سهم به سزایی داشت، و شاگرد در هنگام درس، استاد را مصداق بارز حدیث امام صادق (ع) می یافت که: «علینا بالقاء الاصول و علیکم بالتفریع.» در پایان، به ذکر تنبیهات مناسب با مسئله می پرداختند و در پرتو نورافشانی خود، زوایای مختلف مسئله را می نمایانند.

خواننده کتاب القصاص علی ضوء القرآن و السنه، به خوبی می تواند شاهد این سبک پنج مرحله ای آن بزرگوار باشد. از این رو، این جانب اعتقاد دارم که این کتاب، به تنهایی، برای ایجاد ملکه اجتهاد در طلبه کافی است، بدون آن که نیازی به حضور در درس خارج داشته باشد. مضافاً این که این جانب در جمع آوری تمام روایات هر مسئله و نقل اقوال فقهای بزرگ شیعه و نیز فقهای مذاهب اهل سنت، زحمات طاقت فرسایی را متحمل شده ام و آنها را در پاورقیها ذکر کرده ام. این امر، کتاب را به صورت کتابی در فقه مقارن، در موضوع قصاص، در آورده است.

### منابع فقه از دیدگاه استاد

بیشتر کتب اصولی و فقهی شیعه، قرآن، سنت (قول و فعل و تقریر معصوم)، اجماع و عقل را منابع فقه می دانند، اما آن بزرگوار، اجماع را دلیل مستقل به حساب نمی آورد، بلکه آن را در ضمن سنت، و مؤید سنت می دانست. و از آن جا که مسایل شرعی، جنبه تعبدی دارند، از راه یافتن عقل به قلمرو آنها، حتی الامکان، جلوگیری می کرد، و قلمرو عقل را در مسایل شرعی بسیار محدود می کرد. اما آیات قرآن را بیان کننده اصل حکم می دانست، و وظیفه بیان فروعات و شاخه های احکام فقهی را بر عهده روایات می گذاشت. از این رو، در مقام استنباط احکام شرعی فقهیه، تکیه فراوانی بر روی روایات داشت که با توجه به تسلط وافر ایشان بر ادبیات عرب، در مقام بیان فقه الروایه، مطالب بدیع و جالبی را ارائه می دادند. نظر به اهتمام استاد به این دو منبع اصیل فقه شیعه، این جانب نام تقریرات خود را القصاص علی ضوء القرآن و السنه گذاشتم و امیدوارم که برای طلاب و پژوهشگران علوم اهل بیت (ع) نافع و سودمند باشد.

مختلف، باعث شده بود که درس ایشان، از حالت یک درس خشک علمی، به درسی شیرین و با طراوت تبدیل گردد؛ به گونه ای که شاگرد پس از پایان درس، برای درس روز آینده لحظه شماری می کرد و هنگام حضور در درس نیز به وجد می آمد، و خود را در عالمی دیگر حس می کرد. همچنین تازگی و طراوت مطالب درس، بر تازگی و طراوت روح شاگردان می افزود.

### استحکام مطالب در عین ساده گویی

از آن جا که درس خارج مشتمل بر اصطلاحات فقهی و اصولی است، و در آن مبانی مختلف بزرگان فقه و اصول به صورت اشاره مطرح می شود، فهم آن برای بسیاری از طلاب مشکل است؛ خصوصاً این که برخی از اساتید، برای اظهار علمیت خود، و از بیم آن که مبادا به سطحی نگری متهم شوند، سعی در هرچه غامضتر کردن بیان مطالب دارند. در این میان، هنر آن است که استاد بتواند در عین ساده گویی، استحکام مطالب را نیز حفظ کند، که این امر از امور سهل ممتنع به شمار می رود.

استاد ما، حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، توانسته بود به خوبی این دو ویژگی را در درس خود پیاده کند. ایشان فقهی با استحکام را، با زبان ساده، برای شاگردان خود و دیگر دانش پژوهان به یادگار گذارد. متأسفانه این دو ویژگی باعث شده بود تا برخی از افرادی که میانه خوبی با استاد نداشتند، از این دو ویژگی در راه ضربه زدن به استاد استفاده کنند و در مرجعیت آن بزرگوار تشکیک کنند و موجبات ناراحتی ایشان را فراهم آورند. شاید این عبارت استاد در وصیتنامه اش، اشاره به این افراد باشد: «به انتظارشان نزد محکمه عدل الهی نشسته ام.»

### تفریعات و تنبیهات

سبک درس استاد، این گونه بود که در مقام بیان هر مسئله، ابتدا به بیان عنوان مسئله می پرداخت و سپس مدارک آن را بر می شمرد. پس از آن، اقوال فقها و اصولیین را بیان می کردند و به نقد و بررسی آنها همت می گماشتند.

اما آنچه درس استاد را هرچه غنیتر می کرد، تفریعات و تنبیهات بود. هنگام ذکر تفریعات، استاد فروع مترتبه بر مسئله را بیان می کردند؛ فروعی که در کمتر کتاب فقهی می توان آنها را